

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرییز سنجری

۰۷ دسمبر ۲۰۲۴

نسل کشی مردم فلسطین توسط اسرائیل و نقد برخی دیدگاه ها (۱)

(۱) - توضیح پیام فدائی: آنچه در زیر آمده متن پرسش و پاسخ کانال بذرهای ماندگار با رفیق سنجری در جلسه عمومی کلاب هاوس مورخ سوم نوامبر ۲۰۲۴ می باشد که به این ترتیب به اطلاع خوانندگان میرسد.

پرسشگر کانال بذرهای ماندگار: رفیق فرییز گرامی، با درود به شما و پیشاپیش سپاس که در خواست ما رو برای حضور در این برنامه پذیرفتید رفیق.

رفیق سنجری: ضمن سلام به شما و همه دست اندرکاران این اتاق که چنین امکانی رو برای تبادل نظر در رابطه با چنین موضوع مهمی مهیا کردند؛ بگذارید که در این فرصت به همه حاضرین در این جلسه درود بفرستم. به امید اینکه با همکاری همه حاضرین، یعنی عزیزانی که در جلسه حضور دارند ما بتوانیم جلسه پر باری داشته باشیم. به خصوص که این جلسه در رابطه با یکی از دردناک ترین رویدادهای جاری در منطقه می باشد یعنی نسل کشی بیرحمانه صهیونیستها در غزه و بر علیه خلق فلسطین که متأسفانه بیش از یکسال هم هست که ادامه داره. بگذارید قبل از هر صحبتی همبستگی خودم و چریکهای فدائی خلق رو با مبارزه و مقاومت خلق فلسطین ابراز کنم و همدردی خودمون را با مردم رنج دیده غزه ابراز نمایم و به خصوص یاد هزاران کودک و زن و مردی که در این فاصله توسط جنایتکاران حاکم بر اسرائیل جان باختند را گرامی بدارم. به امید روزی که جهان شاهد رهائی مردمی باشد که با زور تفنگ از سرزمین شان رانده شدند و اسیر دست جنایتکارانی شدند که شانه به شانه هیتلر ها و آئشمن ها می زنند. به امید آن روز.

پرسش: مرسی رفیق. اجازه بدهید که اولین سوال را مطرح کنم. همین طور که می دانید از هفتم اکتبر سال پیش و در واقع به دنبال حمله تروریستی حماس به اسرائیل، ارتش اسرائیل تحت نام جنگ با حماس سراسر نوار غزه را وحشیانه بمباران کرده و بیش از چهل هزار نفر از مردم فلسطین (بر مبنای آمار امروز کم و بیش که بسیار بیش از این هم هست را کشته و چندین هزار نفر را همانطور که خودتان هم توضیح دادید مجروح کردند. شما این جنگ را چگونه می بینید؟ چگونه این جنگ را توصیف می کنید؟

پاسخ: بگذارید قبل از پرداختن با این پرسش من تاکید کنم که به رغم همه جنایاتی که دولت اسرائیل از ۷ اکتبر سال گذشته مرتکب شده اما نباید فراموش کرد که جنگ صهیونیستها علیه خلق فلسطین بیش از ۷۵ ساله که ادامه داره. و در

این فاصله طولانی هم صهیونیستهای حاکم بر اسرائیل هیچ جنایتی نبوده که در حق مردم فلسطین اعمال نکرده باشند. آنها ملتی را از سرزمین خودشون بیرون کردند و با اشغال سرزمین آنها به عنوان اینکه فلسطین گویا سرزمین بی صاحبی است که باید به مردم بی سرزمینی، که قوم برگزیده خدا هم هستند، داده بشه از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده اند. فراموش نباید کرد که اسحاق شامیر یکی از سردمداران جنایتکار اسرائیل زمانی مدعی شد که: "فلسطین سرزمینی بوده بدون ملت و باید به ملتی داده بشه بدون سرزمین"، این سخنان به روشنی نشان می ده که به باور سردمداران اسرائیل گویا اصلاً ملتی به نام (ملت) فلسطین وجود نداشته! این توضیحات را دادم که در ضمن تأکید کنم که مارکسیست‌ها هر جنگی رو از نظر تاریخی بررسی می کنند و در این مورد هم باید چنین برخورد کنند و چنین برخورد کرد.

با این توضیح اگر برگردم به پرسش شما در باره ۷ اکتبر سال پیش، باید بگم که شواهد کاملاً آشکاری وجود داره که مقامات بلند پایه اسرائیل کاملاً از حمله حماس در ۷ اکتبر مطلع بودند. اگر نخواهم به همه فاکت هائی که در این زمینه وجود دارد اشاره کنم تنها کافیست بگم که به گزارش نشریه تایمز اسرائیل به تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۲۳ یعنی دو روز بعد از همین حادثه هفتم اکتبر وزیر اطلاعات دولت مصر ده روز قبل از این رویداد شخصاً با نخست وزیر اسرائیل (نتانیاو) تماس گرفته و به او اطلاع داده که حماس احتمالاً در تدارک عملیات بزرگیه اما دولت اسرائیل به این هشدار هیچ توجهی نکرد! خوب این سوال باید در ذهن هر کسی مطرح بشه که به راستی چرا علیرغم این اطلاعی که بشون داده شده توجه نکردند، تا جلوی چنین حرکتی را بگیرند. ما می دانیم که به جز این موردی که گفتیم می دانیم که اسرائیل با خرج میلیون ها دلار یک دیواری ساخته که این کشور را از غزه جدا می کنه که این دیوار هم شدیداً تحت کنترل ارتش اسرائیل. خوب این ارتش اسرائیل با توجه به این کنترلی که کاملاً و هر شبانه روز انجام میشده صد درصد در جریان تدارکات حماس برای حمله ۷ اکتبر قرار می گرفته و قرار هم گرفته. در خود مطبوعات اسرائیل هم در این زمینه گزارشات زیادی هست که میشه با رجوع به آنها این واقعیت را دید. بنابراین دولت اسرائیل با علم به عملیاتی که حماس در پیش داشت گذاشت تا حماس کار خودش رو بکنه و پس از این حمله بود که اسرائیل شروع به بمباران های وحشیانه مردم غزه کرد و این حمله حماس را یک توجیهی برای این که این حملات کشنده لازمه و به واقع او دارد از خودش در مقابل تروریستها دفاع می کنه قرار داد و یک جنگی را علیه (مردم) فلسطین در غزه راه انداخت که یک نسل کشی را انجام داد که حالا البته اون را جنگ با حماس جلوه می ده و این طور می خواهد توجیه کند. در حالیکه اون جنایاتی که اونجا انجام شده اصلاً ربطی به مساله حماس ندارد. حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل که به کشته شدن تعدادی از افراد غیرنظامی در اسرائیل هم منجر شد، همان نقشی را برای حملات جنایتکارانه اسرائیل ایفاء کرد (و میکنه) که حمله به برج های دوقلو در آمریکا برای دولت بوش و امپریالیسم آمریکا در اون موقع در برداشت و ایفاء کرد. می دونیم که جرج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا از آن رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهت توجیه حمله به افغانستان استفاده کرد. و براین اساس هم دولت وی اون تز معروف "جنگ بی پایان" را طرح کرد که هنوز هم مردم دنیا دارند از عوارضش رنج می برند. به هر حال رویداد ۷ اکتبر یک بار دیگر هم نشان داد که دولت اسرائیل چگونه از وجود حماس جهت پیشبرد سیاستهای ضد مردمی خودش سود می بره. این امر همچنین واقعا نشان داد و روشن هم می کنه که چرا اسرائیل از سالها پیش به شکل گیری چنین جریانی کمک کرد. در این زمینه فاکت های غیر قابل انکاری وجود داره گرچه خیلی ها مایلند چشم شون را روی این فاکت ها ببندند و اون ها را نبینند. برای فقط نمونه می گویم که کمک های مالی امارات متحده عربی و قطر بطور رسمی و از طریق اسرائیل به این گروه منتقل می شد. به همین دلیل هم بود که در مارس ۲۰۱۹ نتانیاو نخست وزیر اسرائیل به اعضای حزب لیکود در پارلمان اسرائیل (کنست) یعنی حزب

خودش گفت: "هر کسی که می خواهد تشکیل یک کشور فلسطینی را خنثی کند، باید از تقویت حماس و انتقال پول به حماس حمایت کند". بعد هم تاکید می کند که "این بخشی از استراتژی ماست". خوب با چنین استراتژی ای روشنه که باید در انتظار چه حوادثی بود. به واقع با این توضیحات می خواهم تاکید کنم که به باور ما جنگ غزه در واقعیت جنگ دولت نژادپرست اسرائیل علیه حماس صرفا نیست، بلکه علیه مردم رنج دیده فلسطین می باشد که به همین دلیل هم یک جنگ ناعادلانه و ضد مردمی ست. این یک نسل کشی آشکار از مردمی بی دفاعه که توسط دولت تروریست اسرائیل انجام می شه و اسرائیل می کوشه به این طریق بخش هر چه بزرگ تری از سرزمین فلسطین را به خاک خودش ضمیمه کند. یعنی همان کاری که ۷۵ ساله داره انجام می ده. بی دلیل هم نیست که وزیر دفاع فاشیست اسرائیل به دنبال حمله به غزه گفت می خواهیم "واقعیت را تا نسل ها تغییر" دهیم. امیدوارم که به پرسش شما پاسخ داده باشم.

پرسش: مرسی رفیق. رفیق با توجه به ماهیت ضد مردمی اسرائیل و نسل کشی ای که در غزه به راه انداخته برخی ضمن مخالفت با جنایات اسرائیل، بر خلاف آنچه که شما مطرح کردید حماس و حزب الله را نیرو های مردمی قلمداد می کنند و به خصوص حماس را. (آنها) اساسا حماس را بخشی از مقاومت خلق فلسطین معرفی می کنند و ازش دفاع می کنند. بطور مشخص از حماس با این توجیه دفاع می کنند. شما نظرتان در این زمینه چی هست؟

پاسخ: ببینید بیش از یکساله که دولت جنایتکار اسرائیل همه جنایات خودش را در غزه و کرانه باختری که اصلاح حماس در آنجا نیست را با وجود حماس توجیه می کنه و در تبلیغات خودش هم همواره حماس را برجسته می کنه و جنگ خودش علیه خلق فلسطین را جنگ با حماس جلوه می ده در حالیکه اگر ما یک نگاه بکنیم به هزاران نفری که در این مدت توسط ارتش اسرائیل کشته شدند می بینیم که قریب به اتفاق آنها مردم عادی فلسطین بودند و نه اعضای حماس. آیا نزدیک به ۲۰ هزار کودکی که توسط اسرائیل کشته شدند اعضای حماس بودند؟ اساساً ما با یک نسل کشی خونین در غزه مواجه ایم که خلق فلسطین را هدف قرار داده و نه صرفا حماس رو. پس جنگ واقعی با خلق فلسطینه. از طرف دیگه، حدود ۷۰۰ نفر در کرانه باختری تا حالا کشته شدند اینها که هیچ کدام از نیرو های حماس نبودند. اصلا به هیچ وجه کسی نمی تونه اینها را به حماس وصل کنه. البته متأسفانه بیشتر رسانه های امپریالیستی در چهارچوب خط دفاع از اسرائیل همان تبلیغات دولت اسرائیل را رله می کنند. از طرف دیگه ما شاهدیم که دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی هم تحت نام محور مقاومت هر روز حماس را طرف جنگ اسرائیل در غزه معرفی می کنه. بطور طبیعی این تبلیغات روی افکار عمومی تاثیر می گذاره تبلیغاتی که حماس در غزه را بخشی از مقاومت فلسطین جلوه می ده. اما اگر کسی می خواهد نه بر اساس تبلیغات رسانه های امپریالیستی و مزدوران اون ها بلکه بر اساس واقعیت موضع گیری کنه. آنگاه باید به شکل گیری حماس و نقش دولت اسرائیل در پر و بال دادن به این جریان توجه کنه. و در این زمینه برود مطالعه کند و به فاکت هائی که در این زمینه وجود داره رجوع کنه اگر واقعا چنین کنه به روشنی می بینه که حماس رو خود سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل درست کردند و به همین دلیل هم همیشه اون رو نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت فلسطین تلقی کرد یا جا زد. البته این را هم بگویم و روش تاکید کنم که این واقعیات امر پوشیده ای هم نیست. تا کنون دهها فاکت و سند در این زمینه منتشر شده. حالا چون در صحبت هائی که قبلا در رابطه با مساله فلسطین در همین کلاب هاوس داشتم به مواردی از این فاکتها اشاره کردم دیگه نمی خواهم وقت امشب را به ارائه این فاکتها اختصاص بدهم. فقط تاکید کنم که سفیر سابق آمریکا در عربستان "چارلز فریمن" رسماً اعلام کرد که "حماس را اسرائیل پدید آورد". سفیر آمریکا در عربستان گفته و تصریح کرده که "این نقشه ی «شین بت» (سازمان امنیت ملی اسرائیل) بود که فکر می کرد حماس می تونه سازمان آزادیبخش فلسطین رو به حاشیه براند". خوب در پاسخ به پرسش قبلی هم که من گفتم که نخست وزیر اسرائیل هم گفته بود که برای جلوگیری از تشکیل کشور

فلسطین باید از حماس دفاع کرد. و این (امر) را استراتژی دولت خودش اصلاً معرفی کرده بود. در نتیجه با توجه به واقعیاتی که گفتم و توضیح دادم ارزیابی حماس به عنوان نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت انقلابی خلق فلسطین یک امر نادرستیه که واقعا با واقعیت انطباق نداره. اما شنیدن چنین تزهائی از ایرانی هائی که ۴۵ ساله سلطه جمهوری اسلامی را تجربه می کنند و همشون بار جنایت های این رژیم را رو دوششان دارند حمل می کنند واقعا تعجب انگیزه. حالا (مگر) اینها فراموش کردن که در مقابله با انقلاب مردم ایران امپریالیستها دار و دسته خمینی را به قدرت رساندند و این دار و دسته ارتجاعی ضمن سرکوب انقلاب ایران چنان جنایاتی در حق کارگران و ستمدیدگان انجام دادند که زبان از بیانش قاصره. آیا این جمهوری اسلامی یک چیزی به نام بنیادگرایی اسلامی در ایران و منطقه شکل نداد و توسط اشاعه این بنیادگرایی اسلامی خیلی از جنبش های مترقی را به حاشیه نراند. واقعا با چه توجیهی میشه یک نیروی بنیاد گرای اسلامی را که با همه وجودش ارتجاعیه را نیروئی مترقی و بخشی از مقاومت خلق فلسطین جا زد. در تمام این سالها که امپریالیستها در جثه جمهوری اسلامی باد کرده اند و توسط وی در هر جا که احتیاج داشته اند یک گروه اسلامی راه انداختند- گروه بنیادگرای اسلامی راه انداختند - کدام نمونه را سراغ دارید که یکی از آنها کمترین کیفیت مترقی را از خودش نشان داده باشه. مگر همین چند سال پیش نبود که آمریکائی ها دو باره طالبان را یعنی یکی از همین گروه های بنیادگرایی اسلامی را که مثلاً آمریکا باش در جنگ بود را در افغانستان به سر کار نیارود؟ آیا از اون موقعی که طالبان دو باره در افغانستان قدرت گرفته ما شاهد زن ستیزی و جنایات این دار و دسته نبودیم؟ کسانی که حماس را بخشی از مقاومت مردم فلسطین جا می زنند آیا می توانند بگویند، که مگر کنترل غزه قبل از ۷ اکتبر کاملاً در دست این جریان نبود، این نیرو کدام برنامه مترقی را برای مردم غزه اجرا کرده که حالا برخی برای وی کف می زنند. فراموش هم نکنیم که حماس میلیونها دلار از طریق امارات متحده عربی و قطر و از کانال اسرائیل همواره دریافت می کرده یعنی اینطور نبوده که پول نداشته یا بودجه نداشته. از طرف دیگه برخورد حماس با کمونیستها و نیرو های سکولار و حتی با این طرفداران همین ابو عباس و دولت خود گردان در کرانه باختری مگر جز یکی از خشونت بار ترین برخوردها بوده؟ آیا کم گشته؟ آیا اینها به آزادی زنان کوچکترین اهمیتی دادن. در نتیجه اگر کسی می خواهد واقعا یک قضاوت واقعی و منطقی در رابطه با این جریان داشته باشه باید به این واقعیات توجه داشته باشه به این واقعیات باید فکر کنه. مورد دیگری هم که باز در همین سوال بود در مورد حزب الله لبنان هم من تنها باید تاکید کنم که این جریان را که دیگه آشکارا ساخته دست سپاه پاسدارانه و افرادی مثل محتشمی پور که اون موقع اگر اشتباه نکنم سفیر جمهوری اسلامی در لبنان بود و بعد ها که برگشت به ایران در یک مقطعی شد وزیر کشور در سال ۱۳۶۱ (اینها) در لبنان شکل دادند. و این هم البته امر پوشیده ای هم نیست و خود این حسن نصرالله رهبر حزب الله در خیلی از صحبتهاش بر تنیدگی سازمانش با جمهوری اسلامی تاکید کرده. در نتیجه اصلاً نمی شه در ماهیت ارتجاعی یک چنین جریانی که ساخته جمهوری اسلامی شک کرد. مگر اینکه واقعا بخواهد کسی پا روی حقیقت بگذاره و سازندگان این جریان را هم مترقی اعلام بکنه. اگر هم البته کسی چنین کاری بکنه خیلی روشن داره روی واقعیت تف می کنه. چون به هر حال در ارتجاعی بودن جمهوری اسلامی و در تاریخ پر از جنایت جمهوری اسلامی اصلاً لحظه ای شک هم نمیشه کرد. به هر حال چون به رغم تمایل این پاسخ یک مقداری طولانی شد، در مورد حزب الله لبنان به همین حد اکتفاء می کنم.

پرسش: مرسی رفیق. سوال بعدی که بوده که به هر صورت در ادامه پرسش قبلی هستش، هر چند که ممکنه تکراری باشه از آنجا که افراد از زوایای مختلفی سوال می کنند مطرح می کنم. ببینید رفیق برخی از تحلیل ها و افراد با این ادعا که در حال حاضر تنها نیروئی که در واقع می گویند که تنها نیروئی که در مقابل حملات شدیداً وحشیانه

دولت صهیونیستی اسرائیل مقاومت می‌کند و با آن می‌جنگد همین حماس هستش. آنها مدعی اند که و می‌گویند پس آیا درست نیست که در مقابل یک دشمن بزرگتر مثل اسرائیل از حماس دفاع بشه؟ شما نظرتان چیه در این زمینه؟

پاسخ: ببینید. قبلا در مورد جنگ حماس با اسرائیل توضیح دادم که به واقع حماس با به اصطلاح جنگ اش با اسرائیل زمینه را برای حملات این دولت جنایتکار به مردم فلسطین مهیا کرد. و توجیه ای درست کرد برای اسرائیل که بتواند این نسل کشی اش را جا بیندازد و با قیافه حق به جانب آن را حق دفاع از خود معرفی کنه. اما از جنبه دیگه، وقتی بخواهیم یک جنگی را بررسی بکنیم در بررسی ماهیت جنگ ها که به کوچک و بزرگی دو طرف درگیری نمی شه پرداخت. بالاخره در هر جنگی یک طرف از طرف دیگر ضعیف تره و یا کوچک تره. حتی در جنگ جهانی اول که آلمان و امپراطوری عثمانی و اتریش با انگلیس و فرانسه و روسیه می جنگیدند خوب یک طرف بیشتر جهان را زیر سیطره خودش داشت و طرف دیگر اصلا منطقه نفوذ زیادی نداشت و به همین دلیل هم برای پیدا کردن "محلّی در زیر آفتاب" به جنگ متوسل شده بود. اما ماهیت جنگ را با کوچکی و بزرگی این دو طرف نمی شه روشن کرد. این روش اساسا روشی علمی نیست. به همین دلیل هم ما کاربرد آنرا در این مورد هم کاملا نادرست می دونیم. چون نه تنها هیچ کمکی به شناخت ماهیت نیرو های درگیر نمی کنه بر عکس صف ها را هم مخدوش می کنه. البته این تز دفاع از تبهکار کوچک در مقابل تبهکار بزرگ امر تازه ای هم نیست ولی همانطور که قبلا هم گفتم مارکسیستها در برخورد با هر جنگی آن را از نظر تاریخی بررسی می کنند و در این مورد هم باید چنین برخوردی داشته باشند. این را هم بگویم که تا جایی که من در شبکه های اجتماعی دیدم کسانی که به کوچکی حماس و یا در صحنه بودنش اشاره می کنند و خواهان حمایت از آن می شوند اون رو نیروئی ارتجائی نمی دونند بلکه مدعی اند که چون به هر حال در میدانه و علیه اسرائیل مرتجع و نژاد پرست می‌جنگه پس یک نیروی مترقیه و باید از آن حمایت کرد. اما واقعیت اینه که در صحنه بودن ماهیت هیچ نیروئی را تعیین نمی کنه. بلکه باید دید در جهت منافع چه طبقه ای در صحنه است. برای مثال در جنگ امپریالیسم آمریکا با داعش بالاخره داعش در صحنه بود و این طور نشان داده می شد، در رسانه های غربی، که داشت با امپریالیسم مسلط بر جهان هم می جنگه. امپریالیسمی که ائتلافی حداقل ۶۰ کشوری علیه داعش سازمان داده بود. آیا کسی می تونست یا همین الان می تونه با تکیه بر کوچکی داعش از توحش محض داعش صرفا به دلیل اینکه در میدان بود و با امپریالیستها می جنگید حمایت کنه؟ به هیچ وجه. به خاطر اینکه اساسا این روش نادرسته، غیر علمی. همانطور که گفتم در هر جنگی اولاً باید دید که نیرو های درگیر در چه دوران تاریخی قرار دارند و از منافع چه طبقه ای به واقع دارند دفاع می‌کنند. بعد هم باید دانست که تا جایی هم که در عمل جنگی بین حماس و اسرائیل در میان باشه در این جنگ دو نیروی بنیادگرای اسلامی و صهیونیستی مطرح اند که هیچ کدام ماهیتی دموکراتیک و انقلابی ندارند و از این جنبه هم، این جنگی است که قابل دفاع نیست. اما در واقعیت در غزه ما شاهد نسل کشی مردم فلسطین هستیم توسط اسرائیل. به همین دلیل هم همه نیروهای مردمی و مترقی باید علیه نسل کشی اسرائیل نژاد پرست و متجاوز باشند و از مطالبات مردم ستمدیده فلسطین دفاع کنند و خواهان قطع فوری این نسل کشی باشند. به هر حال تاکید کنم که کوچکی و بزرگی یک نیرو ماهیت اون نیرو را در جنگ و ماهیت اون جنگ را تعیین نمی کنه. هر جنگی را باید دید که در چه شرایط تاریخی و برای منافع چه طبقه ای مطرح شده و پیش می رود که اون موقع میشه در موردش قضاوت کرد و موضع گرفت.

پرسش: زفیق از بحث های شما مشخص هستش که شما دو طرف این جنگ جاری در خاورمیانه یعنی دولت اسرائیل و حماس و حزب الله را ارتجاعی و دشمن مردم فلسطین و خاورمیانه می دانید. حالا با علم بر این مساله آیا ما می توانیم حماس و حزب الله و احزاب خواهر و برادر بنیادگرای اسلامی ارتجاعی را با اسرائیل در یک کفه قرار

بدهیم؟ در واقع با ارتجاعی دانستن اسرائیل و این دو جریان آیا در یک کفه قرار دارند. اگر ممکنه در این مورد نظراتان را بدهید؟

پاسخ: ببینید در اینجا هیچ ترازویی در کار نیست. و اگر بخواهم خیلی روشن حرف بزنم من ترازویی در اینجا نمی بینم. بحث هم بر سر در یک کفه قرار دادن نیرو های درگیر نیست. ما گفتیم که هر دو طرف ارتجاعی هستند. مساله اینه که هر دو نیرو چه بنیادگرایی صهیونیستی و چه بنیادگرایی اسلامی مرتجع اند و نباید در دعوی دو نیروی ماهیتا مرتجع به دفاع از یکی بلند شد. بالاخره در هر جنگی یکی قوی تره و یکی ضعیف تره ؛ ولی بحث ما اینه که این امر ماهیت آن نیرو را تعیین نمی کنه در جنگ طالبان با آمریکا شاهد بودیم چون مثال روشنیه من روی آن تاکید می کنم. طالبان هم کوچکتر بود و هم در میان بخشی از مردم افغانستان هوادار داشت اما هم طالبان مرتجع بود و هم آمریکا که به اصطلاح با او می جنگید. و عده ای هم با واقعا حماقت محض این را جنگ تمدن و توحش جلوه می دادند و می گفتند که در مقابل تمدن باید از توحش دفاع نکرد و مجکوم کرد و غیره

پس این بحث ترازو را باید گذاشت کنار. ما در حالیکه شدیداً علیه دولت فاشیستی اسرائیل هستیم و معتقدیم که اون شدت برخوردهای فاشیستی اش وی را به اون جایی کشانده که علاوه بر همه کشتارها ئی که با موشک و بمب و خمپاره می کنه با محروم کردن مردم و کودکان از غذا و دارو و گرسنگی دادن به مردم غزه آنها را برای ترک منطقه تحت فشار می گذاره، کارهایی که تنها می شه آنها را با کارهای نازی ها مقایسه کرد، اما حماس در غزه و حزب الله در لبنان را با توجه به جنایات اسرائیل نمی شود مترقی ارزیابی کرد. اما، مشکل بزرگ برخی از دیدگاه ها متاسفانه که به شدت هم انحرافی است اینه که اون ها صورت مساله را به حماس و اسرائیل تقلیل می دهند؛ و جلوی مخاطبین خودشون می گذارن. بین حماس و اسرائیل. خوب این روش واقعیت را مخدوش می کند. کسی نمی تواند موافق نسل کشی اسرائیل باشه و یا اصلا این نسل کشی را این کودک کشی را ببیند و بش معترض نباشد. و به همین دلیل هم ممکنه به بیراه دفاع از حماس بیفتد. اما ببینید حالا که این بحث شد این را هم من اضافه کنم. این داستان بد و بدتر را بگذاریم کنار حداقل ما ایرانی ها سالهاست که در جریان انتخابات های جمهوری اسلامی شاهد بودیم که با این داستان بد و بدتر سر مردم شیره می مالند. پس اجازه ندهیم که با همین روش که یکی بد و دیگری بدتر یکی تبهکار کوچکه یکی تبهکار بزرگ دو باره سر مردم شیره بمالند و یک زمینه ای درست کنند برای اینکه بالاخره از یک طرف در مقابل طرف دیگه دفاع بشود. ما اصلا خودمون را نباید وارد این معادله بد و بدتر بکنیم. خوب ما یک تجربه تاریخی خیلی روشن جلومون هست برویم به جنگ جهانی اول توجه کنیم و ببینیم دو نیروی ارتجاعی با هم می جنگیدند و کمونیستهای واقعی نیامدند بیابند بگویند که حالا بیائید بشینیم و ببینیم که مثلاً انگلستان چند تا برده داره و آلمان چند تا برده بعد بگویند که خوب انگلستان که مدعیه که آفتاب در امپراطوریش غروب نمی کنه و همه جای دنیا را گرفته و به آلمان هیچ چیز نرسیده پس این محق تره. یا بیائیم ببینیم که این آلمان که هنوز جایی را نگرفته که ما جنایاتش را ببینیم. کمونیستها که این طوری با مساله برخورد نکردند. آمدند و گفتند ما اصلا وارد این معادله امپریالیسم خوب و بد نمی شویم. ما این جنگ را اتفاقاً در جهت تحکیم بردگی می بینیم. این توحشی که الان در منطقه خاورمیانه از سوی اسرائیل اینجور روی طبلش کوبیده میشه برای این نیست که کوچکترین فضائی بخواهد برای مردم ستمدیده غزه و کناره باختری و لبنان و اینها باز بکنه اون ورش هم همینطور در نتیجه این داستان بد و بدتر را بگذاریم کنار. بیائیم ببینیم که در این شرایط تاریخی در عصر امپریالیسم و در شرایطی که سرمایه دار ها همه جا را گرفتند کی با کی داره می جنگه و برای چی داره می جنگه که اکثراً هم فقط دودش می رود به چشم مردم. من فکر می کنم که این پاسخ کافی باشه.

پرسش: مرسی رفیق . رفقانی که در قسمت کامنت پرسش هائی می فرستند حتما در بخش پرسش و پاسخ اینها را با رفیق مطرح خواهیم کرد. می خواستم توضیح داده باشم که این سوالات حتما مورد بررسی قرار خواهند گرفت. رفیق پشتیبانان امپریالیست دولت اسرائیل و خود این دولت مدعی هستند که هدف جنگ اسرائیل نابودی حماس است. نظر شما در این مورد چیه؟ آیا واقعا نابودی حماس هدف حملات اسرائیل به مردم غزه هستش؟

پاسخ: ببینید این ادعای دولت کودک کش اسرائیل که مثلا به بهانه حماس مدارس و بیمارستانها را داره بمباران می کنه و تا حالا هم اگر این آمار هائی که منتشر شده را دنبال کنیم هیچ هیچ بیش از ۴۲ هزار نفر را کشته و دهها هزار نفر را مجروح کرده که اکثرا هم اصلا عضو حماس نبودن. حالا من به این نمی پردازم که هزاران نفر زیر آوار مانده اند و جان باخته اند که اصلا در این آمار ها به حساب نمی آیند.

قبلا هم گفتم که بحث بر سر نابودی حماس نیست. بحث بر سر اسرائیل که با جنگ علیه مردم غزه و نسل کشی مردم فلسطین ، خواهان اشغال سرزمین آنهاست. این هم امر تازه ای نیست. اگر به نقشه اسرائیل که در سال ۱۹۴۸ یعنی سال تاسیس آن نگاه کنیم و آنرا با قلمرو کنونی این دولت اشغالگر مقایسه کنیم متوجه می شیم که چگونه صهیونیستها گام به گام قلمرو و تجاوز گری خودشون را با حمایت بی چون و چرای قدرتهای امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا گسترش داده اند؛ بدون این که اصلا حماس و حزب الله هم اساسا در صحنه بوده باشند. اینها اصلا در اون سالهائی که اسرائیل شروع کرده به تجاوز به خلق فلسطین اصلا در صحنه نبودند. وجود نداشتند. برای این که این هدف همیشگی اسرائیل بوده و هست و امروز هم همین هدف را در غزه پیش می بره. خوب اشغال سرزمین مردم فلسطین هم امکان شهرک سازی را برای صهیونیستها افزایش می دهد و هم آنها می خواهند در این سرزمین ها برای کشاورزی استفاده کنند و از معادنش سود ببرند و به خصوص هم باید توجه داشت که نوار غزه در کنار دریا قرار دارد و در آبهای متعلق به غزه یعنی متعلق به فلسطین منابع نفتی و گازی زیادی پیدا شده که صهیونیستها چشم به اون دوخته اند. بنا بر گزارشاتی که تا حالا منتشر شده در ۲۹ اکتبر ۲۰۲۳، وزارت انرژی اسرائیل ۱۲ مجوز را برای ۶ شرکت برای اکتشاف ذخایر گاز طبیعی در منطقه ای در مجاورت خط ساحلی غزه، تأیید کرده. حالا یک مورد دیگه هم بگذارید اشاره کنم. در سال ۲۰۰۷ ما الان در سال ۲۰۲۴ هستیم؛ وزیر دفاع اسرائیل به صراحت بیان کرد که باید با عملیات نظامی هم اگر شده، حماس را وادار کرد از ادعای مالکیت خودش بر دریای مدیترانه دست بکشد و تنها به سواحل آن بسنده کند. این امریه که با نسل کشی در غزه کاملا و البته پس از سالها امکان اجرائی پیدا کرده. یعنی اون چیزی که در ذهن فاشیستها و نژاد پرستها اسرائیل بوده که برویم و غزه را با خاک یکسان کنیم تا بتوانیم از منابع گاز و نفت دریای مدیترانه سود ببریم و بشویم یکی از بزرگترین صادر کنندگان گاز، این هدف اسرائیل نه (نابودی) حماسی که خودش به وجود آورده و بدون شک کاملا هم می تواند کنترلش بکنه.

پرسش: مرسی رفیق. رفیق همانطور که می دونید ارتش اسرائیل ضمن تداوم جنگ علیه مردم غزه، اخیراً هم تحت نام جنگ با حزب الله به لبنان هم حمله کرده و بیروت را دائما بمباران می کند. شما این حمله را چگونه می بینید و در ضمن شاید اینجا بتوانیم به سوال یکی از رفقانی که در کامنت ها پرسش کرده که نظر شما در باره حزب الله لبنان چی هست شاید بتوانیم این دو سوال را با هم ادغام بکنیم با توجه به سوالات زیادی که هست. بفرمایید. میک در اختیار شماست؟

پاسخ: ببینید ارتش - واقعا که کلمات نمی تواند توصیف کند جنایات این ارتش را - ددمنش اسرائیل تحت نام جنگ با حزب الله در جنوب لبنان هم به لبنان حمله کرده و هم به شهر بیروت یعنی پایتخت لبنان و بمبارانهای وحشیانه ای هم در اینجا انجام داده که فعلا بیش از هزار نفر را کشته و تعداد زیادی را مجروح کرده و باعث آواره شدن بیش از یک

میلیون لبنانی شده. روشن شده که صهیونیست‌های حاکم بر اسرائیل در خط اربابان آمریکائی خودشون مبادرت به این آتش افروزی‌ها کرده‌اند. یکی از اهداف بارز لشکرکشی اسرائیل به بهانه حزب الله به لبنان با هدف حل برخی از تضادهای غارتگرانه و سلطه جویانه امپریالیسم آمریکا با رقبایش نظیر فرانسه است که می‌خواهد سلطه خودش را در منطقه هر چه می‌توانه مستحکم‌تر کنه این واقعیتی که حالا یک دفعه ما می‌بینیم که فرانسوی‌ها شدیداً علیه جنگ شدن دولت فرانسه منظورمه- و آتش افروزی اسرائیل در لبنان را محکوم می‌کنند و یا حتی از این بحث می‌کنند که باید فرستادن سلاح به اسرائیل تحریم بشه. واقعیت اینه که اسرائیل تحت پوشش حق دفاع از خودش به هر جنایتی متوسل می‌شه که نتیجه عملی‌اش هم تشدید تنش در منطقه است. به واقع می‌کوشه خاورمیانه را بیش از گذشته متشنج و مملو از درگیری کنه. یعنی همان شرایطی که بیشترین کمک را به کارخانجات اسلحه‌سازی (امپریالیسم) آمریکا و شرکاء و خود اسرائیل می‌کنه. تجربه نشان داده که اسرائیل با این آتش افروزی‌ها قادر نشده و نخواهد هم شد یک امنیت ادعائی خودش را در نوار مرزی‌اش با لبنان برقرار کنه و این اقدامات کاملاً به نفع رونق دادن به صنایع نظامی امپریالیست‌هاست که در یک سال گذشته هم از هیچ اقدامی جهت تقویت اسرائیل و تجهیز آن به سلاح‌های کشنده دریغ نکرده‌اند.

به این جنبه هم باید توجه کرد که همانطور که گفتیم قبلاً حزب الله ساخته جمهوری اسلامی و بنابراین درگیری بین دو نیروی بنیادگرای اسلامی و یهودی همچون جنگ غزه درگیری دو نیروی ارتجاعی و ضد مردمیه. البته مثل این یک سال گذشته ما شاهد تبلیغات فریبکارانه آمریکا در این جنگ هم بودیم که در حالیکه اسرائیل را مسلح می‌کند و در همه جا از نظر دیپلماتیک از آن حمایت می‌کنه از مخالفت خودش با تشدید درگیری در غزه و لبنان هم سخن می‌گوید. به هر حال فکر می‌کنم این پاسخ کافی باشه مگر اینکه سوالات دیگری رفا مطرح کنند.

پرسش: رفیق اجازه بدهید برگردیم به درگیری‌هایی که اخیراً بین ایران و اسرائیل پیش آمده. به دنبال ضرباتی که اسرائیل به جمهوری اسلامی وارد کرد دوبار هم جمهوری اسلامی با موشک و پهپاد به اسرائیل حمله کرد که البته اسرائیل هم به این حملات پاسخ داد. گرچه این موشک‌پراکنی‌ها خیلی محدود بودند اما رسانه‌های غربی آنها را به مثابه احتمال آغاز جنگی بزرگ بین این دو کشور تحلیل کردن و خطر این جنگ و در واقع خطر این جنگ هم اکثر نیروهای سیاسی را به موضع‌گیری واداشت. که مواضع مختلفی در این زمینه گرفتند. موضع شما در این رابطه چه هست؟

پاسخ: ببینید جدا از اینکه جمهوری اسلامی در یکسال گذشته از حماس و حزب الله شدیداً حمایت کرده حالا چه مالی و چه تجهیزات نظامی و خوب از این زاویه در درگیری با اسرائیل نقش داشته و یا در سوریه بارها مورد بمباران‌های اسرائیل قرار گرفته اما حملات موشکی بین این دو رژیم فاقد هر گونه خطر جدی برای هر دو طرفه. این واقعیتی که باید به اون توجه کرد و باید برای مردم هم توضیحش داد. باید روی این تأکید کنم که همیشه از جنگ بزرگ این دو نیرو و دو دولت سخن گفت. در شرایطی که جمهوری اسلامی قبل از موشک‌پرانی به اسرائیل، دولت آمریکا یعنی پشتیبان اصلی اسرائیل را مطلع می‌کنه و اکثر موشک‌ها و پهپاد‌های رژیم قبل از رسیدن به اسرائیل نابود می‌شه فکر نمی‌کنم بشه این موش و گربه بازی‌ها را جنگ نامید. این واقعیتی که خود دولت (جمهوری اسلامی) یعنی خبرگزاری‌های رسانه‌های غربی خیلی رسمی می‌گویند- ۱۲ ساعت قبل از حمله، جمهوری اسلامی به دولت آمریکا گفته که ما می‌خواهیم حمله کنیم. خوب این چه جور جنگیه که طرف قبل از حمله به ارباب اصلی منطقه می‌گوید که من می‌خواهم حمله کنم به کسی که تو می‌گوئی امنیتش (امنیت اسرائیل) امنیت منه؛ خیلی رسمی این جمله خود رئیس جمهورهای آمریکا است. امنیت اسرائیل امنیت آمریکاست. خوب تو وقتی می‌گوئی که من می‌خواهم به (اسرائیل) حمله کنم این میشه همان داستانی که ترامپ آمد رو کرد که وقتی به پایگاه آمریکا در عراق می‌خواستند حمله کنند به ما

اطلاع دادند که ما باید حمله کنیم ولی به شما صدمه ای زده همیشه وارد نمیشه. به این فکر نمی کنم بشه گفت اینها در حال جنگ بزرگند. اما همین که رسانه های غربی از آغاز یک جنگ بزرگ در منطقه خبر بدهند این تا یک حزبیادی طبیعی چون آنها می خواهند فضای موجود را تا می توانند پر تنش تر جلوه بدن. اما آن نیرو های سیاسی که به دنبال این تبلیغات فریبکارانه از جنگ این دو دولت سخن می گویند تنها نشان می دهند که قادر به درک شرایط موجود و وابستگی اسرائیل و جمهوری اسلامی به امپریالیسم نیستند. واقعیت اینه که جمهوری اسلامی و دولت صهیونیستی اسرائیل به مثابه دو قلوهای دست پرورده آمریکایی عمل می کنند و همواره در خدمت به اربابان شان اقدام کردند و باز هم می کنند. البته من روی این تاکید کنم که اگر منافع ارباب هم حکم کنه که آنها جنگ و درگیری نظامی با هم دیگر راه بیندازند آنها نمی توانند این کار را نکنند. ولی اساسا چنین خواستی الان اون طرف (آمریکا) نداره و در نتیجه برای کسی که می خواهد صحنه سیاسی این اوضاع و احوال را بررسی کنه و روش موضع بگیره برخورد درست اینه که سرسپردگی این دو نیرو به امپریالیسم را در هر تحلیلی باید مورد تاکید قرار داد. در شرایطی که امپریالیسم آمریکا از طریق مقامات دولتی مرتب به جمهوری اسلامی اطمینان می ده که خواهان سرنگونی اش نیست، خوب اسرائیل هم قصد جنگ واقعی به منظور سرنگونی این رژیم را نخواهد داشت. ببینید در واقعیت چی شد این موشک زد تا اون جایی که من خواندم یک نفر از ارتش اسرائیل هم کشته نشد. اون هم چند تا موشک زد و در حالیکه سالهاست که تبلیغ می کرد می روم و مراکز اتمی اش را می زوم در شرایطی که همه منتظر این بودند و حق هم بش می دادند چون این برای اون موشک فرستاده بود که این هم بزنه خیلی روشن نه به مراکز نفتی و نه به مراکز اتمی اصلا نزدیک نشد در نتیجه فکر نمی کنم این بازی را بشه اساسا جنگ تلقی کرد.

پرسش: ممنون رفیق. رفیق تنش بین در واقع بین اسرائیل و جمهوری اسلامی در صفوف مخالفین جمهوری اسلامی صف بندی هائی را شکل داد تا جانی که در فضای مجازی هم شاهدش هستیم برخی مثل سلطنت طلبان خیلی آشکار به دفاع از حملات اسرائیل برخاستند و برخی هم به مخالفت یعنی در واقع مخالفت کردند. اگر ممکنه نظرتان را در این زمینه هم بگویند؟

پاسخ: فکر کنم قبلا هم در این باره صحبت کردم. ببینید اینکه سلطنت طلبان خواهان حمله اسرائیل به ایران اند این اصلا امر عجیبی نیست. خوب همین رضا پهلوی مگر چند ماه پیش نرفت اسرائیل و در آنجا نرفت به دیوار ندبه دخیل بست. رضا پهلوی در این سالها نشان داده برای رسیدن به قدرت به هر ذالتی تن می ده و البته با توجه به سرسپردگی پدر بزرگ اش یعنی رضا خان به امپریالیسم انگلستان و محمد رضا شاه بعد از انگلستان عمدتاً به آمریکا یک چنین امری در خانواده آنها امر تازه ای نیست. واقعیت اینه که سلطنت یک آلترناتیو امپریالیستی در ایران و برای اون ها هم هدف فقط رسیدن به قدرت و برای رسیدن به این هدف هم به هر وسیله ای متوسل می شوند. برای اینکه از نظر اون ها هدف وسیله را توجیه می کنه. بنابراین برای چنین نیروئی که خودش می داند که در سرنگونی جمهوری اسلامی هیچ نقشی نخواهد داشت توسل به حمله اسرائیل و توهم اینکه با این حمله جمهوری اسلامی سرنگون می شه و آنها می توانند به قول رضا پهلوی "خلاء قدرت" را پر کنن، یک امر فقط دلخوش کننده ست. این چیز روشنیه که همین موضع البته سرسپردگی و ضد مردمی بودن این جریان را هم آشکار تر می کنه و نشان می دهد. در عمل هم دیدیم که اسرائیل حمله کرد اما به یک معنا آب از آب هم تکان نخورد چون ارباب اصلی گفته بود که برنامه ای برای تغییر رژیم نداره. من در پاسخ به پرسش های قبلی گفتیم اسرائیل نه به مراکز نفتی نزدیک شد و نه به مراکز اتمی در حالیکه این سلطنت طلبان و یا کسانی شبیه اون ها که خواهان این هستند که جمهوری اسلامی را یکی دیگه برده چون خودشون نمی توانند کاری کنند همیشه هم می گویند "سر مار" را بزن _ خوب تو اگر بلدی خودت برو بزن دیگه _ سر مار را بزن

یعنی این رژیم را بردارید یک رژیم چنج خیلی شیک و بیک درست کنید که ما بیائیم بنشینیم مثلا سر کار. اما به نظر من همین موشک پرانی ها، همین حملات نشان داد که فعلا جنگی در این ابعاد بین این دو رژیم در نگرفته و اصلا نیازی هم به موضع گیری در این زمینه نیست و اون هائی هم که دل خوش کردن به اینکه یکی دیگه بیاید برایشان رژیم را بندازه فقط بازیچه سرکاری ها و دسیسه های قدرت های بزرگ می شوند که خوب تا حدی هم حقشونه.

پرسش: رفیق سنجری می دانم که سوالات زیادی مطرح شده و امیدوارم که زیاد خسته تان نکرده باشم ولی از اون جا که هر کدام از این سوالات اهمیت زیادی دارند و مخصوصا بین فعالین به خصوص جنبش چپ به هر صورت تا حد ممکن سعی می کنم که این سوالات را همه را مطرح کنم تا بتوانید به آن جواب بدهید. رفیق یک بیانییه ای اخیرا تحت عنوان فراخوان جمعی" علیه نظم نوین تحمیلی بر خاورمیانه" با این عنوان با امضای تعدادی از عناصر رژیم تحت عنوان اصلاح طلب در داخل کشور منتشر شد که در گریه های جمهوری اسلامی و اسرائیل بدون اشاره به جمهوری اسلامی " نوشتند هر گونه اقدام نظامی علیه ایران تحت هر عنوانی" را محکوم کردند و انزجار خود شون را نسبت به اون اعلام کردند. در این بین تعدادی از نیروهائی که با عنوان چپ هم شناخته می شوند این بیانییه را امضاء کردند. این بیانییه البته بدون توجه و اشاره به ماهیت طرف دیگر این به اصطلاح جنگ و درگیری، یعنی جمهوری اسلامی، می آید "روشنفکران، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی" را به همراهی با خودش فرا می خواند. خواستم اگر ممکنه شما نظرتان را در رابطه با این بیانییه توضیح بدهید؟

پاسخ: ببینید نگران پرسش هاتون نباشید هر پرسشی دارید را مطرح کنید من در خدمتتم. این بیانییه هم که گفتید من دیده ام. یک تلاشیه از سوی اصلاح طلبان حکومتی برای دفاع از دیکتاتوری حاکم بر ایران اون هم به بهانه حمله اسرائیل و یا جنایات اسرائیل در منطقه که یک امر واقعیه. متاسفانه کسانی هم که خودشون را چپ تلقی می کنند هم آنرا امضاء کردن. اینکه امثال سید علی مرعشی از حزب کارگزاران و اگر اشتباه نکنم از اقوام رفسنجانی و محمد رضا جلالی پور و غیره هم در این وانفسای تبلیغات جنگی بین اسرائیل و جمهوری اسلامی بخواهند از این رژیم دفاع کنند به باور من اصلا امر عجیبی نیست. این وظیفه همیشگی نیروهای خودی جمهوری اسلامی بوده و هست. اما اینکه کسانی که خود شون را چپ می نامند در شرایطی که امکان دارند خودشون مستقلا در این زمینه موضع گیری کنند بیانییه ای را امضاء میکنند که مشخصا جهت دفاع از جمهوری اسلامی تدوین شده، واضحه که یک امر خلاف منافع مردم ایران انجام داده اند که غیر قابل دفاع است. این بیانییه بطور آگاهانه و به خاطر دفاع از دیکتاتوری حاکم در ایران که کسی اصلا نمی تواند در جنایاتش شک داشته باشه دیکتاتوری حاکم را یعنی جمهوری اسلامی را می کند "حکومت ایران" بعد هم به روی خودش نمی آورده که درگیری های جاری در منطقه دو طرف داره که هر دو نا حق اند و ثانیاً به رغم همه تبلیغات فریبکارانه رسانه های امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا از حمایت از این دو قلو های به واقع عزیز دردانه اش یعنی دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی دست برداشته ؛ کجا می خواهد به ایران حمله بکند و به همین دلیل هم به رغم حملات دو طرف به خاک همدیگر هر دو طرف اگر دقت کنید می کوشند حملاتشان با کمترین تلفات ممکن توأم باشه. از طرف دیگه این بیانییه نویسان مدعی شده اند که برای مقابله با دخالت خارجی به مسائل داخلی اصلا نمی پردازند یا نپرداختند. اما این امریه که اگر برای اصلاح طلبان حکومتی یک امر طبیعییه برای کسانی که خود شون را چپ می نامند که دیگه غیر قابل گذشته. چطور میشه در رابطه با دعوی جمهوری اسلامی و اسرائیل موضع گرفت ولی گفت من به مسائل داخلی جمهوری اسلامی نمی پردازم. پس این همه جنایتی که این هر روز داره انجام می دهد را کجا باید بش بردازیم اون هم در شرایطی که هیچ روزی نیست که در شهر های مختلف ایران در خیابانهای مختلف شهر های ایران ما شاهد فریاد مردمی که جونشون از مظالم جمهوری اسلامی به لب رسیده نباشیم. به

نظر من این یک کار نادرست و کاملا غلط و غیر قابل دفاعه . فکر کنم در همین حد من می توانم حداقل موضع خودم را در این زمینه بگویم.

پرسش: ممنون رفیق. بحثمون یک مقداری طولانی شد. من در این بخش به عنوان آخرین پرسش می خواستم از شما سوال کنم که چه راه حل دمکراتیکی برای حل مساله فلسطین وجود دارد؟

پاسخ: ببینید ما همیشه از حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین دفاع کرده و دفاع می کنیم و خواهان این هم هستیم که این مردم رنج دیده به حقوق طبیعی خودشان بالاخره دست پیدا کنند . اون راه حل دمکراتیکی که شما می گویید یعنی اون راه حلی که بتواند به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین پاسخ بدهد؛ و ما معتقدیم که این حق تنها در یک چنین شرایطی است که امکان بروز آزادانه آراء مردم فلسطین امکان پذیر می شود. نه اینکه هر کسی از طرف خودش به نام خلق فلسطین یک راهی را نشان بدهد. یکی پیدا شود و بگوید من حکومت اسلامی می خواهم. باید شرایط آزاد باشد همه بیابند و نظر بدهند و اگر اکثریت اون مردم هر چیزی که خواستند در جهت تحقق اون گام بردارند. روشنه که این شرایط هم بدون نابودی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم و مزدوران رنگارنگشان دست نیافتیه. این را هم ما باید تاکید کنیم. از طرف دیگه تجربه مبارزات خلقهای تحت ستم در عصر امپریالیسم نشان داده که پیروزی انقلاب ستمدیدگان علیه دشمنان خلق و در این مورد مشخص خلق فلسطین تنها با رهبری طبقه کارگر امکان پذیر هست . تنها در یک شرایط دمکراتیک که مردم فلسطین می توانن بطور آزادانه شکل آینده حاکمیت خودشون و چگونگی رابطه شون با یهودی های ساکن این سرزمین را تعیین کنند حالا چه بصورت تشکیل یک کشور فلسطینی در کنار اسرائیل و چه به صورت کشوری با همکاری برادرانه همه ساکنانش. چون به هر حال این تنها امکانی که وجود داره که یک چنین حقی در فلسطین متحقق بشود یک شرایط دمکراتیک است و اون شرایط دمکراتیک هم تنها وابسته است به سرنگونی سلطه امپریالیسم و صهیونیسم. به هر حال از این که در این مبحث به خصوص از این راه حل دو کشور زیاد نام برده میشه باید تاکید کنم که آنچه که اکنون تحت عنوان قرارداد اسلو بر مردم فلسطین تحمیل شده اساسا نقض آشکار حق تعیین سرنوشت این خلق است نه تحقق حق تعیین سرنوشت خودشون و واقعیت های منطقه هم نشان می دهد که متاسفانه تا رسیدن به شرایط تحقق این حق خلق فلسطین و خلقهای دیگر منطقه راه درازی در پیش دارند. این اون چهارچوب کلی است که ما در این چهارچوب به مساله نگاه می کنیم.

پرسشگر بذرهای ماندگار: مرسی رفیق با سپاس مجدد از اینکه پاسخگوی این همه سوالات بودید. مطمئن هستم که در بخش بعدی برنامه هم سوالات دیگری از رفقای که حضور دارند کسانی که هستند احتمالا خواهد آمد.

یادداشت: این نگاشته روی ملحوظات مشخصی ویراستاری نشده است. اداره پورتال